



## نگاهی به مقاله داکتر محمد حسن شرق

در مورد قضیه عبدالملک خان عبدالرحیم زی

(قسمت اول)

جناب داکتر صاحب در صفحات (۸۴)، (۹۶) و (۹۷) کتاب شان که تحت عنوان تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان، توسط مرکز نشراتی سعید برای بار دوم در برج دلو سال ۱۳۸۴ به نشر رسیده، موضوع برکناری و حبس مرحوم عبدالملک خان عبدالرحیم زی وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد ملی دوره صدارت مرحوم سردار محمد داؤد خان را چنین شرح میدهند:

«.....محمد داؤد که در اثر لغزیدن در فقرات کمرش شکستگی رخ داده بود، جهت معالجه به ایتالیا میروند. چند روز بعد از آمدنش به ۱۶ سرطان ۱۳۳۶ عبدالملک وزیر مالیه به جرم بر انداختن نظام شاهی "گودتا" دستگیر و حبس میشوند و گفته ها این بود که دسیسه توسط سردار عبدالولی داماد شاه کشف شده است. اگر چه به فعالیت های اقتصادی زمان محمد داؤد با حبس ملک خان سخته یی بوجود نیامد اما کمبود عبدالملک در کابینه قابل فهم بود. چنانچه محمد داؤد در باره عبدالملک خان سکوت اختیار کرده و تبصره بدی از وی در باره ملک خان شنیده نه شده بود....»

«.... چنانچه بعد از استعفای محمد داؤد بندی های سیاسی که تعداد شان کمتر از سی نفر بودند، مورد عفو شاه قرار گرفتند و چون نمیخواستند عبدالملک وزیر مالیه از مزایای دموکراسی و الطاف شاهانه بهره مند شوند، با سر براه انداختن فعالیت ها با محمد داؤد آوازه به دروازه ها انداختند که عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه مدعی شده اند تا زمانی که محمد داؤد به جرم حبس او محاکمه نه شوند، از بندی خانه خارج نمیشوند و خوش باور ها باور کردند تا سرو صدا ها رفته رفته به

تشویق عبدالملک انجامید و شکایت او از محمد داؤد از شورای ملی سر میکشد. (وکلا)ی گماشته شده در شورای ملی و عناصر چپ و راست در خارج شورا و بعضی از جراید شخصی سخنان اغوا کننده ای را میان مردم پخش میکردند و به آنچه واقعیت نداشتند برای بد نامی محمد داؤد و پیروانش شاخ و برگ می تراشیدند تا اینکه بعد از چند سال غال و مغال و اتهام و دروغ بافی، (وکلا) به این نتیجه رسیدند که در پهلوی ادعای عبدالملک وزیر مالیه، اسناد و دلایل حکومت در باره توقیفی اش نیز خوانده شود.

با جستجوی حقایق در دوسیه عبدالملک، فرمان را عنوان صدارت یافتند که موی بر سر (وکلا) شاخ و تنگ کمر شان سست گردید. زیرا به صدارت به فرمان شاه هدایت داده شده بود که: **عبدالملک از وزارت مالیه برطرف و توقیف شود.** فردای چنین روزی در شورای ملی، نه نامی از محاکمه محمد داؤد و نه ترحمی به عرض و داد ملک خان در میان بود برعکس دروازه های بندی خانه را محکمترا از بیشتر به رویش می بندند و از تشویشی که از آزادی عبدالملک احساس میکردند، آسوده خاطر میشوند...»

در متن فوق جناب داکتر صاحب شرف طوری وانمود میسازند که گویا برکناری و متعاقب آن حبس وزیر مالیه وقت (عبدالملک خان عبدالرحیم زی) در اثر دسیسه سردار عبدالولی خان به اساس فرمان شاه صورت گرفته، بدین معنی که صدر اعظم مقتدری چون سردار محمد داؤد خان را مطیع اراده و تصمیم شاه و سردار عبدالولی خان دانسته و مدعی شده اند که در قضیه عبدالملک خان، صدر اعظم وقت (محمد داؤد خان) تنها و تنها نقش تعمیم کننده فرمان مقام سلطنت را داشته است و بس.

اگر فرض کنیم که فرمان مورد ادعای جناب داکتر صاحب شرف متکی به راپور سردار عبدالولی خان، به اراده و تصمیم شاه ترتیب، توشیح و صادر شده باشد، پرسش های آتی بوجود میآید که به هریک آن بانیست جواب مستند، قانونی و همه جانبه ارائه گردد:

۱- آیا در آنوقت (سال ۱۳۳۶) در افغانستان قانون اساسی وجود داشت یا خیر؟

آیا حقوق اساسی اتباع کشور در چنین قانونی تسجیل شده بود؟

آیا سه قوه دولت (اجرائیه، مقننه و قضائیه) وجود داشت؟

یا اینکه کشور بدون هیچ قانونی در تحت سلطه نظام (پادشاه رعیتی) قرار داشت و فرمان پادشاه هم قانون بود و هم حکم محکمه؟ یا به عبارت دیگر رعایای شاهانه مانند دوره سلاطین مطلق العنان، بدون کدام حقوق یا مسئولیت قانونی مانند برده گان، بدون کدام تحقیق و بدون اثبات جرم بفرمان شاه به سیاه چال ها انداخته شده، حبس، اعدام یا به دهن توپ بسته میشدند و یا از سرهای مغضوبین کله منارها ساخته میشد؟

۲- اگر قانون اساسی موجود بود، وظایف و صلاحیت های پادشاه و ارگان های عدلی و قضائی چگونه تفکیک می شد و حقوق اساسی اتباع کشور چه بوده که پادشاه میتواند بدون کدام تحقیق و اثبات جرم به حبس اتباع کشور حکم نماید؟ زیرا در هر نظام قانونی، جرم توسط پولیس کشف و بعد از تحقیق و جمع آوری دلایل اثباتیه و اقامه دعوی توسط مدعی العموم (خارنوال مؤظف) محکمه با صلاحیت بعد از استماع دفاعیه متهم به برائت یا محکومیت وی فیصله خود را صادر میکند.

در هیچ نقطه دنیا که در آنجا حاکمیت قانون وجود داشته خاصتاً کشور های اسلامی دیده نه شده است که پادشاه یا رئیس دولت مستقیماً به حبس یا مجازات افراد فرمان دهد بلکه آنرا جزء لاینفک و وظایف و صلاحیت های محاکم عدلی شمرده و قضاء بعد از استماع دعوی خارنوال و دفاعیه متهم با در نظر داشت احکام شرعی و اصول عدالت با استقلالیت کامل در مورد حکم و فیصله خود را صادر می نماید.

۳- بنده به کمال نهایت احترام از جناب داکتر صاحب شرف سوال مینمایم که این فرمان چه خصوصیت داشت که به قول جناب شما موی به سر (وکلا) شاخ و تنگ کمر شانرا سست کرد؟ آیا این فرمان به کدام فقره یا ماده قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی نافذ وقت مطابقت داشت یا خیر؟ آیا فرمان مذکور حکم یا فیصله کدام محکمه تلقی گردیده بود یا چطور؟ زیرا از نگاه احکام شریعت غرای محمدی (ص) و قوانین نافذه، هیچ شخصی بدون محاکمه عادلانه، توسط هیچ مقامی به شمول مقام سلطنت مورد حبس یا مجازات قرار گرفته نمیتواند.

۴- بعد از استعفای سردار محمد داؤد خان و قبل از انفاذ قانون اساسی جدید، بتاريخ (۱۰ حمل ۱۳۴۲) از طرف دکتور محمد یوسف خان صدر اعظم جدید (هجده روز بعد از احراز کرسی صدارت)، به وزارت داخله هدایت داده شد تا هیئات فوق العاده ای را جهت واریسی احوال محبوسین

و وضع محاسب تعیین نمایند. به قول سید قاسم رشتیا وزیر مطبوعات و منشی مجلس عالی وزرای وقت در حصه عبدالملک خان وزیر مالیه سابق، پیش از تصویب قانون اساسی از طرف حکومت معلومات شده بود تا دوسیه او و همکارانش تحت مطالعه قرار گیرد لیکن نه در وزارت داخله و نه در ریاست ضبط احوالات و نه در کدام مرجع دیگر چنین دوسیه پیدا نشد. [خاطرات سید قاسم رشتیا صفحات (۲۱۰-۲۱۱)]

طبق گزارش فوق وزیر مطبوعات و منشی مجلس عالی وزرای حکومت دوکتور محمد یوسف خان، تائید نموده که بعد از کنار رفتن سردار محمد داؤد خان، در نتیجه بررسی هیئات فوق العاده معلوم گردید که کدام دوسیه یا سندی الزامیت علیه عبدالملک خان در دست حکومت وجود نداشت. علاوه بر آن در دوره حکومت شهید محمد هاشم میوندوال موقعیکه عبدالستار شالیزی معاون صدارت و وزیر داخله وقت بتاريخ (۱۷ برج ثور ۱۳۴۵) در جلسه انجمن انکشاف و بهبود اجتماعی ولسی جرگه و بتاريخ (۲۰ ثور ۱۳۴۵) در اجلاس عمومی آن جرگه مورد استجواب قرار گرفت، در مقابل سوالات اعضای انجمن فوق الذکر و نیز (وکلا) هر یک میر محمد صدیق فرهنگ و میر محمد اسماعیل مبلغ در مجلس عمومی، که آیا در محابس افغانستان محبوسین بدون دوسیه وجود دارند یا خیر؟ از فرمان شاهی مورد ادعای داکتر صاحب شرق هیچگونه نکری نکرده برعکس معترف گردید که تنها یک نفر (عبدالملک معروف به عبدالرحیم زی) است که بدون دوسیه و بدون حکم محکمه در محبس بسر میبرد. [جریده ولسی جرگه شماره پنجم ثور ۱۳۴۵ صفحات (۵۳-۵۴) و جریده افغان ملت شماره اول تاریخ (پنجم حمل ۱۳۴۸)]

همچنان بتاريخ (۱۸ قوس سال ۱۳۵۰) که حکومت دوکتور عبدالظاهر خان در رابطه به چگونگی حبس عبدالملک خان، مورد استجواب انجمن تقنین و امور عدلی دوره سیزدهم ولسی جرگه قرار گرفت (روزنامه انیس شماره (۲۱۷) تاریخ (۲۰ قوس ۱۳۵۰) حکومت وقت یکبار دیگر در این زمینه بعد از تدقیق و بررسی همه جانبه و جستجوی کلیه مراجع زیربط که مجموعاً مدت شش ماه را در بر گرفت، کوچکترین سند قانونی را مبنی بر محکومیت عبدالملک خان بدست آورده نتوانست. چنانچه امان الله منصور وزیر داخله همانوقت بتاريخ (۲۴ جوزای ۱۳۵۱) جوابیه آتی را به پارلمان ارائه نمود:

« در مورد شاغلی عبدالملک خان عبدالرحیم زی که در سال ۱۳۳۶ مورد تحقیق قرار گرفته، فیصله کدام محکمه در دست نبوده، میعاد حبس او تعیین نگردیده و تا اکنون قریب پانزده سال آن گذشته است» [روزنامه انیس شماره (۷۲) تاریخ (۲۵ جوزا ۱۳۵۱) جریده افغان ملت شماره (۲۴) تاریخ (۵ جدی ۱۳۵۱) جریده افکار نو شماره (۴۰) تاریخ (۳۰ سنبله ۱۳۵۱)]

قابل دقت است که وزیر داخله در جوابیه شان هیچ نکری یا اشاره ای به وجود کدام فرمان شاهی در این مورد نکرده است.

روی این دلایل من از جناب داکتر صاحب شرف احترامانه سوال مینمایم چنانچه در نتیجه بررسی دقیق و همه جانبه حکومت دوکتور محمد یوسف خان از تاریخ (۱۰ حمل ۱۳۴۲) الی تاریخ (۹ میزان ۱۳۴۳) یعنی یکسال و پنج ماه و ۲۹ روز، حکومت محمد هاشم میوندوال از تاریخ (۱۷ الی ۲۰ ثور ۱۳۴۵) و حکومت دوکتور عبدالظاهر خان از تاریخ (۲۰ قوس ۱۳۵۰) الی تاریخ (۲۴ جوزای ۱۳۵۱) (یعنی شش ماه و چهار روز) ثابت گردید که هیچ سند قانونی مبنی بر الزامیت و مسئولیت عبدالملک خان عبدالرحیم زی در دست حکومت وجود نداشت، پس آن فرمان مورد ادعای داکتر صاحب شرف که موی را به سر (وکلا) شاخ و تنگ کمر شان را سست نمود، چگونه و از کجا و از کدام مرجع رسمی سر کشید؟

۵- در مورد این ادعای داکتر صاحب شرف که گویا سردار عبدالولی خان داماد شاه، دسیسه بر انداختن نظام شاهی (کودتای منسوب به عبدالملک خان) را کشف و بر مبنای همین گزارش، مقام سلطنت فرمان برکناری و توقیف وزیر مالیه را عنوانی صدارت صادر نموده و سردار محمد داؤد خان صدراعظم وقت نیز بحیث تطبیق کننده فرمان بدون کدام چون و چرا مطابق آن اجراء کرده و خلاف اراده اش یک عضو فعال و مهم کابینه خود را بر طرف و توقیف نمود، سوالات آتی عرض وجود میکند:

(الف)- برای کشف جرایم سیاسی یک ارگان خاص بنام ریاست ضبط احوالات با تشکیل و پرسونل و امکانات وسیعی وجود داشت که وقتاً فوقتاً چنین جریانات را تعقیب می نمود، بناءً دسیسه ادعا شده چرا توسط ارگان ضبط احوالات که پیگیری همچو قضایا وظیفه رسمی آن بود کشف نگردید؟

سردار عبدالولی خان که در آنوقت بحیث یک افسر پائین رتبه در فرقه (۸) واقع قلعه جنگی ایفای وظیفه میکرد، با کدام پرسونل و کدام امکانات، کودتای ادعا شده را کشف نمود؟

(ب)- چطور ممکن بود که سردار عبدالولی خان بحیث یک منسوب اردو، همه قوانین و نظامات عسکری را نقض نموده و بدون در نظر داشت سلسله مراتب، چنین موضوع مهم را مستقیماً به شاه گزارش دهد و لا اقل سردار محمد داؤد خان صدر اعظم وقت را که در عین وقت وزیر دفاع و در جمله آمرین وی (عبدالولی خان) بود، در جریان قرار ندهد؟

(ج)- اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه وقت با همه درایت، دور اندیشی و وسعت نظری که داشتند چگونه حاضر میشوند که بدون کدام مدرک یا دلایل قانونی محض به ادعای سردار عبدالولی خان بدون مشوره با صدراعظم (محمد داؤد خان) روی فرمان ادعا شده داکتر صاحب شرف مبنی بر عزل و توقیف وزیر مالیه صحه گذارد؟

(د)- آیا صدر اعظم و وزیر دفاع مقتدری چون سردار محمد داؤد خان آنقدر منقاد، فرمان بردار و تابع اراده یک مادون خود (سردار عبدالولی خان) بود که با یک ایماء و اشاره و یک راپور او، یک عضو فعال و موثر کابینه خود (عبدالملک خان) را بدون کدام چون و چرا از صحنه حذف و زندانی مینماید و هیچ سند و مدرکی را بر مبنی اثبات ادعا از سردار عبدالولی خان مطالبه نمیکند؟

(س)- اگر گزارش ادعا شده منسوب به سردار عبدالولی خان ثقه، مستند و متکی به واقعیت بود، چرا غرض طی مراحل و محاکمه قانونی متهمین به ارگان های عدلی و در نهایت به محکمه ذیصلاح راجع نگردید؟

۶- در ابتدای تشکیل حکومت سردار محمد داؤد خان به اثر پیشنهاد صدراعظم، عبدالملک خان عبدالرحیم زی قرار فرمان نمبر (۲۸۴۸-۴۹۶۲) مؤرخ (۲۸ سنبله ۱۳۳۲) شاه وقت بحیث کفیل وزارت مالیه و دو سال و پنج ماه و پنج روز بعد، در اثر ابراز لیاقت و حسن اجراءات در وظیفه باز هم به اساس پیشنهاد صدر اعظم و فرمان (۳۰۷۴-۴۸۵۳) مؤرخ (۳ دلو ۱۳۳۴) مقام سلطنت، بحیث وزیر مالیه عز تقرر یافت یعنی در طول مدت نظام شاهی در افغانستان تقرر و عزل وزراء به اساس پیشنهاد صدراعظم قانوناً از صلاحیت های پادشاه شمرده میشد. در صورتیکه مقام سلطنت اراده بر طرفی عبدالملک خان را نموده بود، پس چرا فرمان عزل وی را مانند فرمان تقررش

مستقیماً عنوانی شخص خود وی (عبدالملک خان) صادر نه نمود؟ و روی کدام دلایل اصولی، برکناری وزیر مالیه را بمقام صدارت که قانوناً صلاحیت عزل و نصب اعضای کابینه (وزراء) را نداشت، محول نمود؟

۷- در دوره مورد بحث ما (سال ۱۳۳۶ش - ۱۹۵۷م) در تمامی کشور های شاهی که دارای قوانین اساسی بودند، شاه بحیث سمبول وحدت ملی قانوناً غیر مسئول و لازمه عدم مسئولیت شاه، عدم مداخله وی در امور سه قوه دولت (اجرائیه، مقننه و قضائیه) شناخته شده بود در مورد افغانستان تقریباً همه مؤرخین به اتفاق نظر نقش محمد ظاهرشاه را خاصتاً در ۳۰ سال اول سلطنت شان (یعنی دوره های صدارت سردار محمد هاشم خان، سپه سالار شاه محمود خان و سردار محمد داؤد خان) سمبولیک و تشریفاتی دانسته اند طور مثال داکتر سید عبدالله کاظم در صفحه (۳۴۷) جلد اول کتاب شان بنام (زندگی سیاسی شهید محمد داؤد) مینگارد:

«...در مباحث قبلی گفته شد که محمد ظاهرشاه پس از ۳۰ سال که خودش محض به حیث سمبول و اما تمام قدرت در دست سه صدراعظم خانواده گی بود، تدریجاً به این فکر آمده بود که نقش خود را به حیث پادشاه کشور تبارز دهد و نظام سلطنتی را فارغ از نفوذ خانواده سازد تا بدانوسیله اختیارات یک پادشاه را واقعاً در دست داشته باشد...».

محمد حسن ولسمل در صفحه (۲۰۴) کتاب خاطراتش بنام (د ولسمل ژوند، سیاسی هلی خلی او خاطری)، صحبت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه را که در سال اخیر سلطنت، با ایشان نموده بودند، چنین حکایت میکند:

«...کوچنی هلک وم چی پادشاهی ته ورسیدم د پادشاهی په کارونو نه پوهیدم زه تش په نوم پادشاه وم په حقیقت کی زما تره مرحوم سردار محمد هاشم خان پادشاهی چلوله په بل عبارت مطلق العنان پادشاه وه، دهغه دوره چی ختمه شوه، بل تره می سردار شاه محمود خان د صدارت مقام د پادشاهی ټولو اختیاراتو سره اشغال کړ د هغه نه وروسته زما د کاکا خوی سردار محمد داؤد خان صدر اعظم او کل اختیار شو خکه دی هم زما نه د سن په لحاظ مشر و نو پدی حساب یوازی په نوم پادشاه وم...»

عبدالملک خان عبدالرحیم زی وزیر مالیه وقت موقعیکه از طرز و شیوه اداره دو برادر (محمد داؤد خان و محمد نعیم خان) نزد پادشاه شکایت نمود، محمد ظاهر شاه بعد از سپری شدن چند روز برایش چنین پاسخ گفت «...بسیار کوشیدم تا جلو این کار را بگیرم ولی به این دو برادر زورم نرسید و باز قانوناً من حق مداخله را در کار حکومت ندارم...» [عبدالرحیم زی، عبدالملک ارمان زندان صفحه ( ۶۸ )]

پس در اینصورت چگونه امکان داشت که شاه بدون تفاهم با حکومت و بدون پیشنهاد صدراعظم و همچنان بدون اینکه امضای صدراعظم یا وزیر مربوط بحیث مسئول در مینوت فرمان وجود داشته باشد، فرمان مورد ادعای داکتر صاحب شرف را محض به اتکای یک راپور یا گزارش سردار عبدالولی خان امضاء و خلاف قانون در امور حکومت مداخله نماید؟

بملاحظه کتاب خاطرات عبدالقیوم خان مامور دارالتحریر شاهی وقت بنام (شکنجه گاه) که در قضیه کودتای نام نهاد عبدالملک عبدالرحیم زی مدت (۳۴۷) یوم تحت توقیف و تحقیق ریاست ضبط احوالات قرار گرفته بود، محمد داؤد خان میخواست از طریق دستگاه ضبط احوالات با گرفتن شهادت جعلی از عبدالقیوم خان مذکور، پای اطرافیان معتمد شاه مانند سر منشی حافظ نور محمد خان کهگدای، محمد رحیم خان پنجشیری «غلام بچه»، محمود خان رئیس دفتر خصوصی شاه، حیات خان سریاور، عبدالعلی قندهاری آمر املاک کاریزمیر، حاجی امین الله خان، حسن خان، مستوفی عبدالوهاب خان و..... را در توطئه کودتای نام نهاد عبدالملک خان شامل ساخته و اشخاص فوق الذکر را از اطراف شاه پاک سازی نماید. چنانچه رئیس ضبط احوالات (غلام رسول خان) بعد از تحقیر، توهین، لت و کوب و شکنجه زیاد عبدالقیوم خان، میخواست او را با این کلمات تطمیع نموده و از نامبرده شهادت دروغین اخذ کند. « قسم میکنم که به شما یک کار کلان و پول زیاد و موثر و غیره میدهم صاحب عزت و ثروت میشوید هزاران نفر را من تحت و محتاج شما میسازم. من یک مقصد دارم که شما همراه ما همکاری کنید...»

«.... این کاغذ را بگیرید تحریر کنید بلی مامورین دارالتحریر شاهی از قبیل سرمنشی، محمد رحیم، محمود و..... و غیره با عبدالولی و چند نفر خارجی و عبدالملک وزیر مالیه بارها به کاریزمیر از طرف شب میآمدند و جلسه میکردند فقط همین قدر نوشته و تحریر کنید و به خانه خود



بروید....» [شکنجه گاه یادداشت های عبدالقیوم خان مامور دارالتحریر شاهی صفحات (۱۶۹-۱۷۰) انتشارات میوند سال ۱۳۹۱ - کابل]

روی گزارش فوق در حالیکه شاه قدرت دفاع از نزدیکترین همکارانش را نداشت، چگونه امکان داشت که شاه به اراده خود و بدون پیشنهاد صدراعظم به صدور فرمان مورد ادعای داکتر صاحب شرق مبادرت ورزیده باشد؟

۸- جناب داکتر صاحب شرق ادعا دارند که «... عبدالملک خان وزیر مالیه بنابر اراده شاه و به فرمان سلطنتی از مقام وزارت عزل و سپس زندانی گردید و بعد از استعفای داؤد خان، وقتی (وکلا) این فرمان ادعا شده داکتر صاحب شرق را در دوره دموکراسی دیدند، موی بر سر شان شاخ و تنگ کمر شان سست گردید فردای چنین روزی در شورای ملی نه نامی از محاکمه محمد داؤد و نه ترحمی به عرض و داد ملک خان در میان بود. بر عکس دروازه های بندی خانه را محکمر از پیش به رویش می بندند...» ولی اسناد آتی ادعای فوق داکتر صاحب شرق را تأیید نکرده و حقایق موضوع را طور دیگری بیان میدارد:

(الف)- به استناد خبر مندرج شماره (۸۸) تاریخی (۱۹ سرطان ۱۳۳۶) روز نامه انیس و فرمان شماره (۲۴۷۸) مؤرخ (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) مقام صدارت عظمی، عبدالملک خان وزیر مالیه توسط صدراعظم وقت (محمد داؤد خان) بدون کدام تحقیق و بدون ارائه دلایل اثباتیه به ایجاد کارشکنی ها و عدم نظم در امور وزارت مالیه و شماری از مامورین آنوزارت هم بدون کدام ثبوت به رشوه ستانی متهم گردیده و فرمان جناب صدراعظم خطاب به عبدالملک خان چنین ادامه مییابد «...به این نتیجه رسیدم که دیگر شخص شما اهلیت این عهده را ندارید...». این فرمان به ساعت ده بجه شب (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) توسط میر عبدالعزیز خان والی کابل به عبدالملک خان در منزلش واقع کارته چهار کابل تسلیم داده شد و والی مذکور در عین وقت امر شفاهی جناب صدر اعظم را اینکه تا امر ثانی از خانه هم خارج شده نمیتوانید، نیز به وی ابلاغ نمود. [عبدالرحیم زی، عبدالملک ارمغان زندان صفحه (۷۸)]

اسناد فوق ثابت میسازد که برکناری عبدالملک خان از وزارت مالیه بنا بر اراده و تصمیم شخص صدراعظم وقت (محمد داؤد خان) صورت گرفته و بناءً در مقایسه با ادعای داکتر صاحب شرق، موارد ذیل قابل پرسش دانسته میشود:

- در حالیکه فرمان نمبر فوق به دفتر صدارت عظمی ثبت و سپس از همان دفتر صادر شده است و یقیناً جناب داکتر صاحب شرق بحیث مدیر قلم مخصوص و نزدیکترین فرد دفتری به شخص صدراعظم از متن و محتوی فرمان مذکور آگاهی کامل داشته و دارند، پس روی کدام دلیل در مقاله شان ازین فرمان هیچ تذکری نداده اند؟

(۱)- در حالیکه داکتر صاحب شرق ادعا دارند که برکناری وزیرمالیه به اساس اراده و فرمان شاه صورت گرفته و صدر اعظم (محمد داؤد خان) صرف تطبیق کننده فرمان سلطنتی بوده اند، پس در موجودیت چنین فرمانی از جانب شاه، جناب صدر اعظم روی کدام دلایل در فرمان صدارت اتهامات بدون ثبوت را علیه وزیر مالیه وارد نمود و سپس روی کدام ثبوت و سند قانونی در نتیجه گیری خود (عبدالملک خان) را فاقد اهلیت دانست؟

(ب)- عبدالملک خان وزیر مالیه برخلاف ادعای داکتر صاحب شرق به اساس فرمان سلطنتی به کودتا متهم نگردیده بلکه مطابق اعلامیه تاریخی (۱۶ سرطان ۱۳۳۶) وزارت داخله وقت در حالیکه او (عبدالملک خان) چهل و هشت ساعت قبل از نشر آن اعلامیه در منزلش تحت نظارت شدید پولیس و مؤظفین ریاست ضبط احوالات قرار داشت، در روز اول مراسم عید قربان به کودتا متهم گردیده بود. [روزنامه انیس شماره (۸۸) تاریخ (۱۹ سرطان ۱۳۳۶)]

با گذشت هفت سال (۱۳۳۶-۱۳۴۳) هیچ گونه سند یا دلیل قانونی مبنی بر اثبات کودتای ادعا شده علیه وی دریافت نگردید و بهمین دلیل قضیه مذکور به هیچ محکمه ای رویت داده شده نتوانست. حکومت های بعدی هم با وصف بررسی های پیگیر و همه جانبه، هیچ گونه سندی را دایر بر الزامیت عبدالملک خان بدست آورده نتوانستند.

(ج)- به استناد خبر منتشره در شماره (۲۱۷) تاریخ (۲۰ قوس ۱۳۵۰) روز نامه انیس، موضوع عبدالملک خان به اساس ماده (۱۹) اصول وظایف داخلی ولسی جرگه وقت، غرض بررسی و ابراز نظر تدقیقی و قانونی به اساس مکتوب شماره (۲۹۷۷-۱۸۴۵) تاریخ (۱۳۵۰/۹/۱۷)

دارالانشای ولسی جرگه به انجمن تقنین و امور عدلی ولسی جرگه دوره سیزدهم سپرده شد و انجمن مذکور، حکومت دوکتور عبدالظاهر خان را در زمینه، مورد استجواب قرار داد ولی حکومت با وجود سپری کردن شش ماه و چهار روز، کوچکترین سندی را مبنی بر الزامیت عبدالملک خان به ولسی جرگه ارائه کرده نتوانست که تفصیل آن قبلاً در همین مقاله وضاحت داده شده است. بناً انجمن تقنین و امور عدلی بعد از مطالعه و تدقیق همه جانبه موضوع در نظریات قانونی شان، طرز اجراءات حکومت سردار محمد داؤد خان را در قضیه عبدالملک خان مخالف قانون اساسی و سایر قوانین نافذ همان وقت دانسته و آنرا بحیث یک روش غیر دموکراتیک، محکوم نمود و چنین طرز العمل را عدول از احکام قانون اساسی وقت و چلنج علیه حقوق عامه دانست. نظر تدقیقی فوق تحت مکتوب شماره (۲۱۷) تاریخی (۷- اسد ۱۳۵۱) آن انجمن غرض غور در اجلاس عمومی ولسی جرگه به دارالانشاء گسیل یافت اما نسبت طرح موضوعات مهم ملی مانند بحث روی اعتماد بر حکومت محمد موسی شفیق، بودجه سال ۱۳۵۲ و نیز معاهده آب هلمند و بعضاً عدم تکمیل نصاب در ولسی جرگه، الی تاریخ ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲، موقع میسر نگردید تا موضوع عبدالملک خان در اجلاس عمومی ولسی جرگه مطرح بحث قرار گیرد. [روزنامه انیس شماره (۱۱۰) تاریخ (۸- اسد ۱۳۵۱) جریده افکار نو شماره (۴۰) تاریخ (۳۰ سنبله ۱۳۵۱) و جریده افغان ملت شماره (۲۴) تاریخ (۵ جدی ۱۳۵۱)]

اسناد فوق ادعای داکتر صاحب شرق را مبنی بر موجودیت فرمان شاه و نیز شاخ شدن موی سر (وکلا) و سست شدن تنگ کمر آنها، از اساس تردید نموده و خلاف حقیقت میدانند. اگر جناب داکتر صاحب با وجود اسناد فوق الذکر باز هم به ادعای خود اصرار میورزند، بمنظور وضاحت بیشتر این موضوع تاریخی و معلومات محققین، دانشمندان و تاریخ نگاران کشور، لطفاً تصویر فرمان مورد ادعای شان را نشر یا در غیر آن برای ثبوت این ادعای خود دلایل مستند و قانونی ارائه فرمایند.

۹- اگر محمد داؤد خان در قضیه برکناری و حبس عبدالملک خان وزیر مالیه، حقیقتاً هیچ تقصیری نداشت و طبق ادعای داکتر صاحب شرق همه اقدامات از طرف شاه و سردار عبدالولی خان صورت گرفته بود، پس چرا و روی چی دلیل، موقعیکه محمد داؤد خان بعد از کودتای (۲۶ سرطان ۱۳۵۲) در رأس قدرت قرار گرفت و کلیه اسناد و سوابق موضوع هم در اختیار شان قرار داشت، همین

فرمان ادعا شده را با تمام حقایق آن مانند مکاتیب که در سال ۱۳۴۱ به حضور شاه وقت تقدیم نموده بود، به اطلاع ملت و مردم افغانستان نرسانید؟

زیرا عبدالملک خان هنوز هم در زندان دهمزنگ محبوس و بعد از به قدرت رسیدن مجدد محمد داؤد خان در (۲۶ سرطان ۱۳۵۲) نیز خواهان محاکمه وی گردیده و همچنان به تاریخ (۱۰ دلو ۱۳۵۶) بعد از اخذ مکتوب مشترک قوماندان امنیه و رئیس څارنوالی ولایت کابل مبنی بر اینکه عبدالملک خان محبس را ترک و منحیث یک فرد آزاد با فامیل خود زندگی کند، در استدعای کتبی خود عنوانی وزیر عدلیه وقت (لوی څارنوال و قاضی القضاة کشور)، محاکمه محمد داؤد خان را مکرراً تقاضا نموده بود. [عبدالرحیم زی، عبدالملک، ارمغان زندان صفحات (۱۵۸-۱۶۴)]

۱۰- در مورد اینکه چرا عبدالملک خان علیه سردار محمد داؤد خان و اجراءات حکومت وی، در برکناری و حبس غیر قانونی خودش و همکارانش و عده دیگری که بدون کدام جرم و بدون مجبه قانونی نام شان در گلیم این کودتای نامنهاد پیچانیده شده بود، استدعا و معروضه ای به پارلمان تقدیم داشت، داکتر صاحب شرق در صفحه (۹۶) همین کتاب شان متذکر شده اند که:

«...چنانچه بعد از استعفای محمد داؤد خان، بندی های سیاسی که تعداد شان کمتر از سی نفر بود، مورد عفو شاه قرار گرفتند و چون نمیخواستند عبدالملک وزیر مالیه از مزایای دموکراسی و الطاف شاهانه بهره مند شوند، با سر براه انداختن مخالفت ها با محمد داؤد آوازه به دروازه ها انداختند که عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه مدعی شده اند تا زمانی که محمد داؤد به جرم حبس او محاکمه نشوند از بندی خانه خارج نمیشوند. و خوش باورها باور کردند تا سرو صدا رفته رفته به تشویق عبدالملک انجامید و شکایت او از شورای ملی سر میکشد...» داکتر صاحب باز هم کوشیده اند تا با این جملات شان، محمد داؤد خان و حکومت وی را با وجود اسناد و دلایلیکه درین مقاله ذکر گردید، در قضیه یاد شده، بدون تقصیر نشان داده و در مورد معروضه عبدالملک خان به پارلمان، چنین وانمود سازند که گویا وی (عبدالملک خان) بدون اینکه دشمن و مدعی اصلی خود را تشخیص دهد، در اثر آوازه ها و سر و صدا های رقبای محمد داؤد خان، غرض بدنام کردن او، به شورای ملی شکایت نموده است که این ادعا های داکتر صاحب شرق نظر به اسناد و دلایل مندرج این مقاله کاملاً خلاف حقیقت بوده و واقعیت موضوع ذیلاً بعرض رسانیده میشود:

(الف)- عبدالملک خان بعد از تسلیمی فرمان عزلش به امضای محمد داؤد خان صدراعظم وقت، به تاریخ ( ۱۵ سرطان ۱۳۳۶ ) طی درخواست کتبی اش عنوانی شاه، خواهان ارجاع موضوع به پارلمان و در نهایت به محکمه دیوان عالی گردیده بود. [عبدالرحیم زی، عبدالملک، ارمغان زندان صفحات (۱۹۱-۱۹۲)]

(ب)- به استناد خبر مندرج شماره (۱۹۵) تاریخ (۹ میزان ۱۳۴۳) روز نامه انیس، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به تقریب فرخنده توشیح و نفاذ قانون اساسی جدید، محبوسین سیاسی را که از طرف محاکم در باره شان فیصله صادر نگردیده بود، مورد عفو قرار دادند، همزمان با صدور این فرمان حکومت، دوکتور عبدالقیوم خان وزیر داخله وقت را موظف نمود تا این فیصله را به عبدالملک خان اطلاع دهد ولی عبدالملک خان بروی دلایل که درین مقاله با تفصیل ذکر خواهد شد، عفو شاه را نپذیرفته و خواهان محاکمه محمد داؤد خان گردید. [رشتیا، سید قاسم، خاطرت سیاسی صفحه (۲۱۰)]

عبدالملک خان زمانی ازین تصمیم خود وزیر داخله را مطلع ساخت که این موضوع در محیط شایع نگردیده و به اصطلاح داکتر صاحب شرق کدام سرو صدا و آوازه به دروازه خلق نشده بود.

(ج)- طوریکه قبلاً در همین مقاله ذکر گردیده، بتاریخ های (۱۷ و ۲۰ ثور سال ۱۳۴۵) وزیر داخله در انجمن انکشاف و بهبود اجتماعی ولسی جرگه در باره چگونگی حبس عبدالملک خان، مورد استجواب قرار گرفت. چون وزیر داخله کدام سند موثق مبنی بر الزامیت عبدالملک خان به پارلمان ارائه کرده نتوانست، رئیس و اعضای انجمن انکشاف و بهبود اجتماعی به نماینده گی از ولسی جرگه، بتاریخ (۲۸ ثور ۱۳۴۵) به محبس دهمزنگ نزد عبدالملک خان رفته و خواهش نمودند تا محبس را ترک گفته و منحصراً یک فرد آزاد با فامیل خود زندگی کند ولی عبدالملک خان این پیشنهاد آنها را روی دلایلیکه ارائه نمود، نپذیرفت و استدعای خود را با دلایل مذکور علیه محمد داؤد خان به آنها تقدیم داشت تا در اجلاس ولسی جرگه مورد غور قرار گیرد. [جریده افغان ملت شماره اول تاریخ ۵ حمل ۱۳۴۸ صفحه (۲)]

بنابر اسناد و دلایل که فوقاً ارائه گردید، عبدالملک خان از اولین روز تسلیمی فرمان معزولیت اش، از شاه وقت خواهان محاکمه قانونی گردیده و نیز همزمان با صدور فرمان عفو محبوسین سیاسی، باز هم این تقاضای قانونی خود را تکرار نمود و بتاریخ (۲۸ ثور ۱۳۴۵) استدعای کتبی خود را

درینمورد به (وکلا)ی پارلمان تقدیم داشت. پس در موجودیت همچو اسناد و دلایل، داکتر صاحب شرف چگونه ادعا دارند که گویا عبدالملک خان به اساس سروصدا و آوازه های مخالفین محمد داؤد خان به پارلمان شکایت نموده بود؟

۱۱- در صفحه (۸۴) چنین آمده است: «...محمد داؤد که در اثر لغزیدن در فقرات کمرش شکستگی رخ داده بود به ایتالیا میروند چند روز بعد از آمدنش به ۱۶ سرطان ۱۳۳۶ عبدالملک وزیر مالیه به جرم برانداختن رژیم شاهی (کودتا) دستگیر و حبس میشوند...». آنچه داکتر صاحب شرف در فوق نگاشته اند، گرفتاری و زندانی شدن عبدالملک خان را فقط چند روز (به نظر نویسنده در حدود سه یا چهار روز) بعد از عودت محمد داؤد خان به کابل ادعا نموده و سعی کرده اند چنان وانمود کنند که گویا صدراعظم (محمد داؤد خان) در حبس و دستگیری عبدالملک خان کدام نقشی نداشته و دریک عمل انجام شده قرار داده شده بود، در حالیکه بملاحظه دلایل آتی حقیقت امر چنین نبوده است:

(الف) - به استناد اخبار مندرج شماره های (۲۱) الی (۴۷) تاریخ های (۲۶ حمل ۱۳۳۶) الی (۲۹ ثور ۱۳۳۶) روزنامه انیس، سردار محمد داؤد خان به تاریخ (۲۵ حمل ۱۳۳۶) غرض مسافرت رسمی و دوستانه به کشور های ترکیه، چکوسلواکیا، پولند، اتریش و مصر کابل را ترک گفته و بتاريخ (۲۹ ثور ۳۶) دوباره به کابل عودت نمودند که سفر ایتالیا درین برنامه بملاحظه نمیرسد و هدف سفر هم تشنید و گسترش علایق رسمی با ممالک متحابه فوق ذکر گردیده و همچنان تداوی تکلیف کمر صدراعظم در برنامه فوق شامل نبوده است. بعد از تاریخ (۲۹ ثور - الی - ۱۶ سرطان) همان سال یعنی روزیکه عبدالملک خان به کودتا متهم گردید طی مدت یک ماه و بیست روز صدراعظم هیچ سفری بداخل یا خارج افغانستان نه نموده و در پایتخت کشور (کابل) تشریف داشتند، سوال اینجاست که آیا (۵۰) پنجاه یوم یا یک ماه و بیست روز را چند روز (یعنی چند روز محدود) گفته میتوانیم؟

(ب) - آیا درین مدت پنجاه روز صدراعظم آنقدر از اوضاع سیاسی مملکت بی اطلاع بود که یک عضو فعال و مؤثر کابینه اش خلاف اراده وی به کودتا متهم و زندانی میشود؟

۱۲- داکتر صاحب شرق در همین صفحه کتاب شان ادامه میدهند «...چنانچه محمد داؤد در باره عبدالملک خان سکوت اختیار کرده و تبصره بدی از وی در باره ملک خان شنیده نه شده بود...»

قبل از تبصره درینمورد، اسناد آتی را مرور میکنیم:

(الف) - فرمان شماره (۲۴۷۸) مؤرخ (۱۴ سرطان ۱۳۳۶) صدارت عظمی که به امضای سردار محمد داؤد خان صدراعظم وقت مزین بوده به اساس آن عبدالملک خان بدون کدام تحقیق یا اسناد قانونی به کارشکنی ها (تخریب و سبوتاژ) و ایجاد بی نظمی در امور وزارت مالیه متهم گردیده و به او فاقد اهلیت کاری خطاب شده است.

(ب) - اعلامیه تاریخی (۱۶ سرطان ۱۳۳۶) وزارت داخله که طی آن بدون کدام سند قانونی، عبدالملک خان به داشتن تصمیم کودتا بر ضد رژیم شاهی و اعمال ضد منافع ملی یعنی تیبانی با دشمنان افغانستان متهم گردیده بود و طبعاً نشر چنین اعلامیه بدون امر و هدایت جناب صدر اعظم در آنزمان امکان پذیر نبود.

(ج) - به اساس روایت دیگر جنرال محمد نذیر کبیر سراج که: «... داؤد خان در باره قصور عبدالملک خان که تا آنروز نزدیکترین و معتمدترین همکار در نزد او بود، روز یکشنبه (۲۲ سرطان ۳۶ نویسنده) باز هم بالای میز طعام وزارت دفاع بیان داشت که: عبدالملک با همکاری یک مملکت اجنبی میخواست هنگامه ای را در کشور بر پا سازد که جلو آن گرفته شد، خوشبختانه از صاحب منصبان و افراد اردو کسی با او هم‌نوا نه شده بود. شما نتیجه تحقیقات را نظر به اسنادی که در دست است خواهید شنید که چه توطئه ای در شرف تکوین بود تا این بار مملکت را در غرقاب تباهی سرنگون سازد...» جنرال سراج در ادامه می افزاید: «... سال ها گذشت عبدالملک خان ۲۱ سال به زندان باقی ماند، نه تحقیقاتی صورت گرفت، نه محکمه ای دایر گردید و نه اسنادی بمیان کشیده شد که خیانت عبدالملک را ثابت سازد...» [کبیر سراج، دگر جنرال محمد نذیر، رویداد های اخیر سده بیست در افغانستان صفحه (۴۴) چاپ دوم نشرات میوند کابل]

(د) - سردار محمد داود خان صدراعظم وقت در قسمتی از بیانیه رسمی شان در شب اول سنبله سال ۱۳۳۶ که از طریق امواج رادیو کابل به نشر رسید، چنین فرموده بودند: «... باید بگویم که یک تعداد کوچک عناصر استفاده جو هم موجود بوده اند که میخواستند تحت تأثیر دیگران برای آسایش و آرامش شخص خود بقیمت آسایش و آرامش مردم به اعمال "پست؟! " و غیر متوقع دست دراز کنند

اما بفضل خدا این دست ها در هر موقع ناکام گردیده و حکومت تصمیم قطعی اتخاذ نموده است توسط اداره و تطبیق قوانین مملکت این دستها را کوتاه سازد خاصه کسانیکه از اعتماد ملت و حکومت استفاده سوء نموده بر خلاف اوامر خداوندی، قوانین مملکت و حکم شرافت و وجدان انسانی به جای خدمت خلق، برسانیدن ضرر و تجاوز به حقوق مادی و معنوی افراد پرداخته اند، مورد بازخواست قانونی قرار خواهند گرفت...» [روزنامه انیس شماره فوق العاده بمناسبت جشن استقلال تاریخ (۲ سنبله ۱۳۳۶) صفحه (۴) و شماره (۱۲۵) تاریخ (۱۰ سنبله ۱۳۳۶) صفحه (۲)]

اگر این بیانیه به دقت و عمق کامل مطالعه شود سراپا و کلمه کلمه آن اتهامات بدون سند و بدون ثبوت قانونی و در نبود حکم محکمه علیه متهمین کودتای نامنهاد (۱۶ سرطان ۱۳۳۶) وارد شده و حتی صدراعظم مملکت خلاف توقع با استعمال کلمه "پست" در بیانیه رسمی خود، متأسفانه عفت کلام و اصل احترام به کرامت انسانی را نیز رعایت نکرده است.

(س)- قبل از اجراء و تکمیل تحقیقات اصولی و بدون موجودیت حکم قطعی محکمه باصلاحیت مظنونین این قضیه به شمول عبدالملک خان، در اخبار و تبصره های نشرات رادیو و مطبوعات دولتی وقت در مرکز و ولایات در حال برائت ذمه یا حالت اصلی به ارتکاب جرایم سوء اجراءات در امور دولتی، تخریب کاری و اعمال ضد منافع ملی حتی خیانت ملی ملزم گردیده بود که چنین نشرات بدون امر و هدایت صدر اعظم وقت بالاتر از صلاحیت ادارات متذکره شمرده میشود.

(ص) - پخش افواها و پروپاگندهای خلاف حقیقت علیه عبدالملک خان توسط عمال اداره ضبط احوالات در بین طبقات مختلف ملت که این دستگاه تحت اوامر و کنترول مستقیم سردار محمد داؤد خان صدراعظم وقت فعالیت مینمود.

پس با این همه اسناد و دلایل، جناب داکتر صاحب شرف چگونه آنرا **(خاموشی داؤد خان)** تلقی نموده و روی چه دلیل و ثبوتی ادعا دارند که صدر اعظم وقت **(کدام تبصره بدی)** در مورد ملک خان نکرده بود؟

**تذکر لازم:** تصاویر فرامین و اسنادیکه در سطور فوق به آن استناد گردیده، در ختم این مقاله در بخش ضمایم و پیوست های آن به نشر خواهند رسید.

(ادامه دارد)